



در آن دیده شد، مشخصاتی هم گفته شد که مثلاً ترکیب اعضا این طور باشد. همچنین بحث مالی؛ اینکه مثلاً از چه طریقی باید ایجاد شود و ماهیت دبیرخانه نهاد تنظیم‌گر هم دیده شد. علاوه بر اینکه نهاد تنظیم‌گر بخشی به لحاظ حقوقی یک مؤسسه دولتی مستقل همچون مرکز ملی رقابت است که زیر نظر رئیس جمهور فعالیت می‌کند. ما این طور دیده بودیم که به لحاظ حقوقی مستقل و از شورای رقابت کنده شود. منتها در صحن رفته بود و برخی از نمایندگان اشکال گرفته بودند و سرانجام این‌گونه تغییر کرد که دبیرخانه‌اش در مرکز ملی رقابت باشد و این مهم در تبصره ۱ ماده ۵۹ اصلاحی منعکس شد.

ملاحظه دیگر سازوکار الزام به دولت بود؛

و اصلاح قانون اینجا آغاز شد. در اصلاحیه ماده ۲، سه موضوع مطرح شد. نخست اینکه گفتیم وقتی بنا بر تشخیص شورای رقابت است، طبیعی است لفظ انحصار را نگذاریم، تا از بحث در این باب که حوزه یادشده مصداق انحصار طبیعی است یا خیر جلوگیری و لفظ انحصار طبیعی حذف شود. بحث دیگر این بود که دولت حالت الزام داشته باشد، منتها الزام به موجب مصوبه دولت نباشد. علت هم این بود که نگاه جزیره‌ای حاکم در دولت کار را خراب می‌کند. بحث دیگر ضمانت اجرای الزام دولت بود.

موارد اصلاحی ماده ۵۹ و چالش‌های آن
الزام آوردن پیشنهاد تأسیس به مجلس هم

اختیارات خود با وزارت اقتصاد سهیم نشود، یعنی تا این حد نگاه جزیره‌ای درون وزارتخانه‌ای در این فضا حاکم است. در جلسه‌ای که در کمیسیون اقتصادی دولت بود، معاون یکی از وزیران به صراحت گفت فقط به شرطی اجازه می‌دهیم رگولاتوری بخش مربوطه ایجاد شود که این رگولاتوری معاون وزارتخانه، یعنی کاملاً تحت سیطره وزیر باشد و اختیارات تنظیمی شورای رقابت هم در وزارتخانه مربوط بیاید.

بنابراین به جمع‌بندی رسیدیم وقتی دولت الزامی به تأسیس ندارد و رویکرد جزیره‌ای وزارتخانه‌های مختلف موجب می‌شود که اختیارات را در مجموعه خود حفظ کنند، به نتیجه نخواهند رسید. به همین دلیل به سمت اصلاح قانون رفتیم